

### تئیه‌های امروز

وکلای ملت نسبت به کم‌کاری محیط زیست درباره هجوم دوباره گرد و غبار گلایه دارند

## از مرز تا پایتخت

پیشنهاد تشکیل جلسه هیأت دولت در خوزستان



صفحه ۴

آیت‌الله محمدی کرمانی: در لیست هاشمی نیستم

## برائت از لیست انگلیسی

صفحه ۲

## رأی انگلیسی پیش فرض‌ها و فرمان احمقانه

صفحه ۱۲

نزدیکان هاشمی و روحانی به کنایه «من رئیس‌جمهورش کردم» واکنش نشان دادند

## راست نسجیده!

صفحه ۲

### روزنه

خاکستری‌های ناامید از بنفش

## اصلاحات رنگ به رنگ!

مهدی جابری

یک روز مدعی می‌شوند اکثریت مردم «سبز» هستند بعد ادعای پیشین را بازپس می‌گیرند و می‌گویند «اکثریت مردم بنفش هستند» و حالا که روز انتخاب نزدیک است، اعتقاد دارند «اکثریت مردم خاکستری هستند»

رنگ کردن مردم و استفاده ابزاری از آنها برای جمع‌آوری رأی، سیاست دیروز و امروز افرادی است که عنوان «اصلاح‌طلب» را یدک می‌کشند. اینها معمولاً بازی با رنگ‌ها را در پیش می‌گیرند تا برنام‌های ناقص و «بی‌در و پیکر» خود را تزئین کرده و به افکار عمومی هدیه دهند! این دسته سیاسی برای رسیدن به اهداف جناحی، حتی به چهره‌ها و شخصیت‌های سیاسی هم رحم نمی‌کنند و به روی آنها رنگ می‌پاشند، یعنی آنها را با پاشیدن یک رنگ، منسوب به خود می‌دانند و با پاشیدن رنگی دیگر، منکر انتساب آنها به خود می‌شوند!

افکار عمومی ایران به یاد دارند که لقب «عالیجناب سرخ‌پوش» را چه کسانی به یک چهره سیاسی دادند اما همان‌ها در ادامه، او را «سبز» و «بنفش» کردند!

اصلاح‌طلبان بنا به ادعای خود همیشه به دنبال «خاکستری‌ها» بوده‌اند اما هیچ‌زمان نتوانستند رضایتی پایدار و عمیق در افراد جذب‌شده ایجاد کنند؛ تا جایی که پس از پایان کار دولت اصلاحات، نام این دسته سیاسی نیز از سبد گزینه‌های انتخاباتی مردم حذف شد.

اوج تلاش اصلاح‌طلبان برای رسیدن به آنچه به قول خودشان «جذب آرای خاکستری» نام داشت، به دوران تمام‌شده اصلاحات بازمی‌گردد. آن زمان از نگاه این دسته سیاسی جوانان، دختران و زنان، روستاییان و برخی دانشجویان در گروه آرای خاکستری قرار داشتند اما به‌رغم اعتماد عمومی مردم به برنامه‌های رئیس‌اصلاحات، او نتوانست برای اقتصاد جامعه بویژه در حوزه‌های اشتغال جوانان، صنعت، کشاورزی، مسکن جوانان و رونق تولید ملی کار خاصی انجام دهد. جوانان و زنان و روستاییان نیز در نهایت به این نتیجه رسیدند متأسفانه فقط ابزاری برای روی کار آمدن یک دولت سیاست‌محور و سیاست‌زده بودند که در عمل نشان داد هیچ برنامه، اندیشه و کارایی برای پیشرفت اقتصادی جامعه ندارد.

ادامه در صفحه ۵

در واکنش به دروغ‌پردازی‌های گسترده حامیان دولت مطرح شد

# پیشنهاد بذریاش به روحانی

همه‌داری‌ام را به آقای روحانی می‌دهم به شرطی که سرمایه‌های نزدیکانش را به مردم شهرری بدهد

صفحه ۲



عکس: سید محمود حسینی/آستین

### یادداشت امروز

## رکود در تولید سکوت بر زبان

علیرضا معلمی

آلویس تافلر (۱۹۲۸) آینده‌پژوه آمریکایی یهودی‌تبار هنگامی که در سال ۱۹۹۳ دو سال پس از پیروزی بلوک غرب در جنگ سرد، کتاب «جنگ و ضدجنگ» را منتشر می‌کرد، هنوز از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ اطلاع نداشت. به عبارت دیگر آینده‌پژوهی او چندان در مبنای علمی و حقیقی استوار نبود و نتوانست دولتمردان آمریکایی را از یک بحران اقتصادی پیش رو نجات دهد.

«تافلر» در بخشی از این کتاب با طعنه به سیاست‌های خروشچف، رهبر شوروی در دهه ۵۰ قرن بیستم، اقتصاد آمریکا را در حال ورود به موج سوم معرفی می‌کرد. تافلر معتقد به وجود ۳ موج تاریخی در اقتصاد بشری بود و این تئوری او در ۲ دهه پایانی قرن بیستم مخاطبان فراوانی را به خود جلب کرد. از نگاه تافلر موج کشاورزی و موج صنعتی ۲ موج اصلی تاریخ بشر در صحنه اقتصاد و جامعه بوده که با سپری شدن آنها، تاریخ در حال ورود به موج سوم یعنی موج الکترونیک و تکنولوژی است.

خروشچف (و بیشتر آمریکایی‌ها) می‌دانستند سال ۱۹۵۶، نخستین سالی نیز بود که در آمریکا شمار کارکنان یقه‌سفید و خدماتی، بر کارگران یقه‌آبی کارخانه‌های پیشی گرفت. این نخستین نشانه‌ای بود از اینکه اقتصاد دودکنی موج دوم در حال ناپدید شدن بود و اقتصاد جدید موج سومی داشت متولد می‌شد!

او ۱۳ سال پیش‌تر هنگامی که کتاب موج سوم را نوشته بود تنها یک سال از انقلاب ۵۷ ایران می‌گذشت و به نظر می‌رسید سیاست خروشچف‌سیمی که در حال حاضر...

ادامه در صفحه ۵

## سخنی با آنها که در لیست‌شان اقتصاددان ندارند

دکتر محمدرضا مهدیار اسماعیلی

### نگاه امروز

فارغ از تعصبات جناحی، تکیه کردن به جمعیتی که در لیست اصلی انتخاباتی خود حتی یک اقتصاددان هم ندارد، به قول همان اقتصاد غریب مانده در میان هیاهو، رفتاری پریسک و غیرعقلانی است. همان اقتصادی که همه برای نجاتش صف کشیده‌ایم اما نمی‌دانیم اگر عنان آن را به دستمان بدهند قرار است با آن، چه کنیم. بی‌مقدمه و فقط به خاطر نگرانی‌های بسیاری که در این وادی سرگردانی وجود دارد بنا دارم اهم نکاتی را که پیش از این با اصولگرایان مطرح کرده‌ایم و پیرامون آن تأمل بسیار شده است مرور کنم تا شاید مورد توجه انتلافی که در فکد اقتصاددان به سر می‌برد نیز واقع شود.

اقتصاد ایران امروز برای رسیدن به یک ساختار ایستاد، مقاوم‌تری، خوداتکا و بالنده نیازمند چه اقداماتی است؟ و مجلس دهم چه چیز را باید بداند؟ آنچه همه اقتصاددانان بر آن اتفاق نظر دارند، ضرورت تحول در اقتصاد ایران و التزام به رویکرد پیشرفت‌گرا در ساختار اقتصاد ایران است. تقریباً همه قبول داریم که اقتصاد ایران لاقول دهه‌های متمادی بسیاری است که در ریل مناسب قرار ندارد و به‌رغم تلاش‌های بسیار جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب، هنوز در مسیر درست قرار نگرفته است. من در این یادداشت تصمیم دارم به صورت بسیار خلاصه و مبتنی بر ادبیات توسعه و پیشرفت، ۴ موضوع اساسی را که هر یک در امتداد قبلی، از قرارگیری قطار اقتصاد ایران در ریل صحیح ممانعت می‌کنند ذکر کنم تا با اتکا به عزم جدی مجلس در اصلاح قوانین و تلاش دیگر دستگاه‌ها برای اصلاح این ساختار، امیدوار به شکوفایی اقتصاد ایران و قرارگیری آن در ساختار مقاوم‌تری و بالنده باشیم.

توجه می‌دهم که مبنای این تحلیل مبتنی بر تقدم «توسعه‌یافتگی» بر «خلق ثروت» است. یعنی آن تفکر ذاتاً اشتباه است که فکر کنیم اگر برویم و از زیر زمین یا پشت سد تحریم‌ها دلار بیآوریم، با تکیه بر این ثروت جدید می‌توان به توسعه رسید. اگر چه تا ۵۰ سال پیش تصور اقتصاددانان توسعه این بود که اگر بتوان ثروتی را از هر طریقی وارد امور زیربنایی اقتصاد کرد، می‌توان پس از مدتی، توسعه و شکوفایی آن اقتصاد را مشاهده کرد اما امروز اقتصاددانان بر بطان این دیدگاه آگاهند. امروز خطای این دیدگاه منسوخ یا مشاهده وضعیت کشورهای همچون قطر و عربستان سعودی که به‌رغم کسب ثروت فراوان حاصل از فروش نفت، همچنان در رویای به‌دست آوردن ابتدایی‌ترین گام‌های توسعه هستند، بیش از پیش روشن است. رویکرد صحیح، نقطه مقابل این فرآیند است. یعنی

ادامه در صفحه ۵

## رشد و بزرگ شدن اقتصاد ایران

# اصولگرایی

## معیشت پیشرفت
